

# کار فرشتگان

نوشته: نوردن لیندسی  
ترجمه: ط. میکائیلیان

- فصل اول: فرشتگان نگهبان ..... ۱
- فصل دوم: خدمات فرشتگان نگهبان ..... ۴
- فصل سوم: آیا هر مسیحی فرشته نگهبان دارد؟ ..... ۶
- فصل چهارم: نقش فرشتگان در روز داوری ..... ۱۲
- فصل پنجم: زهره یا فرشته اعظم کاذب ..... ۱۳
- فصل ششم: نبرد مسیحیان با شیطان و فرشتگان وی ..... ۱۶

## فصل اول: فرشتگان نگهبان

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که فرشتگان از هر بشری که در دنیا متولد می‌شود نگهبانی می‌نماید. با وجود این غالب اشخاص اطلاع صحیحی از کار فرشتگان ندارند و علت این امر شاید این باشد که درباره این موضوع از منبر کلیساها خیلی به ندرت صحبت می‌شود. این موضوع بسیار اهمیت دارد، زیرا کتاب مقدس درباره فرشتگان مطالب زیادی بیان داشته است. به علاوه این موضوع در عین حال که دارای اهمیت می‌باشد جالب نیز هست. حتی در اولین کتاب تورات یعنی کتاب پیدایش در موضوع باغ عدن به فرشتگان اشاره شده است. آنها در باغ عدن درخت حیات را محافظت می‌کردند (پیدایش ۳: ۲۴). وقتی غضب الهی در حال فرو ریختن بر سدوم و عموره بود، در وقت عصر دو فرشته نزد لوط آمدند تا او را و خانواده‌اش را هشدار دهند که قبل از ویران شدن شهر از آنجا فرار کنند (پیدایش ۲: ۱۲-۱۹). فرشتگان خدا در بیت تیل یعقوب را در حالی که از دست عیسو می‌گریخت، ملاقات کردند و یعقوب از آن زمان به بعد شخص تازه‌ای شد (پیدایش ۲۸: ۱۰-۲۲).

فرشته خداوند در بیابان بر موسی ظاهر شد و به او مأموریت داد که بنی‌اسرائیل را از مصر خارج کند (خروج ۳: ۲-۱۲). فرشته‌ای نزد جدئون آمد و به او گفت که باید قوم خود را از اسارت مدیان خلاص نماید (داوران ۶: ۱۲-۲۲). وقتی ایلیا در زیر درخت اردج بود، فرشته‌ای برای او خوراک تهیه کرد، زیرا لازم بود تا کوه حوریب مسافت زیادی را طی نماید (اشعیا ۳۷: ۳۶). در عهد جدید اشارات زیادی در مورد فرشتگان وجود دارد. جبرئیل فرشته بر مریم ظاهر شد و به او خبر داد که مادر مسیح موعود خواهد بود (لوقا ۱: ۲۶-۳۸). همچنین در معبد به زکریا ظاهر شد و به او اطلاع داد که پدر یحیای تعمید دهنده خواهد بود (لوقا ۱: ۱۱-۱۹). فرشته‌ای درهای زندان را باز کرد و رسولان را آزاد نمود تا بتوانند انجیل را موعظه نمایند (اعمال رسولان ۵: ۱۹). فرشته خداوند نزد کرنیلیوس آمد و به او گفت عده‌ای را نزد پطرس بفرستد تا او راه نجات را به خانواده‌اش تعلیم دهد (اعمال رسولان ۱۰: ۱).

فرشته خداوند به زندانی وارد شد که درهایش محکم بسته شد و پطرس در آن در انتظار اعدام خود بود و او را صحیح و سالم از آنجا خارج کرد (اعمال رسولان ۱۲: ۷-۱۱). فرشته‌ای در کشتی طوفان زده بر پولس ظاهر شد و به او مژده داد که تمام سرنشینان کشتی سلامت خواهد ماند (اعمال رسولان ۲۷: ۲۳). اینها نمونه معدودی است از اشارات فراوانی که در کتاب مقدس در مورد کار فرشتگان وجود دارد.

### فرشتگان چیستند؟

«و به کدام یک از فرشتگان هر گز گفت بنشین به دست راست من تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم؟ آیا همگی ایشان روح‌های خدمتگزار نیستند که برای خدمت آنانی که وارث نجات خواهند شد فرستاده می‌شوند؟» (عبرانیان ۱: ۱۳ و ۱۴). فرشتگان فرمانروایان آسمان هستند که در حضور خدا می‌ایستند. همچنین روح‌های خدمتگزاری هستند که برای خدمت کسانی که وارث نجات می‌باشند فرستاده می‌شوند. فرشتگان با نوع بشر تفاوت دارند. هر چند از نظر ظاهر شباهت زیادی به انسان دارند، با این حال موجودات روحی هستند، ولی نه روح‌هایی که از بدن جدا شده‌اند. آنها بدن دارند، ولی بدن‌هایشان جسم نیست، ولی در عین حال می‌توانند هر وقت مایل باشند به صورت موجودات جسم‌دار ظاهر شوند. گاهی ممکن است خود را با تمام جلال آسمانی که دارند نشان دهند (اعمال رسولان ۱۰: ۳۰). فرشته‌ای که به دانیال ظاهر شد «مثل زبرجد و روی او مانند برق و چشمانش مثل شعله‌های آتش و بازوها و پاهایش مانند رنگ برنج صیقلی و آواز کلام او مثل صدای گروه عظیمی بود» (دانیال ۱۰: ۶).

ولی معمولاً وقتی فرشتگان به مردم ظاهر می‌شوند (احتمالاً برای اینکه باعث ترس بی‌حد نشوند) ظاهر انسانی به خود می‌گیرند بطوری که توسط مردم اشتباهاً انسان شمرده می‌شوند. این نکته را می‌توان از سخنان رسول مسیح استنباط کرد: «از غریب نوازی غافل نشوید که به آن بعضی نادانسته فرشتگان را ضیافت کردند» (عبرانیان ۱۳: ۲). فرشتگان از نظر مرتبه از وضعی که انسان در حال حاضر دارد بالاتر هستند. سراینده مزامیر اعلام می‌دارد که انسان از فرشتگان اندکی کمتر است: «پس انسان چیست که او را به یادآوری و بنی‌آدم که از او تفقد نمایی؟ او را از فرشتگان اندکی کمتر ساختی و تاج جلال و اکرام را بر سر او گذاردی» (مزمور ۸: ۴ و ۵). فرشتگان دارای مراتب با طبقات مختلفی

هستند که از آن جمله: سرافین، کرویین، فرشتگان اعظم و فرشتگان نگهبان است. توصیفی که درباره سرافین وجود دارد، نشان می‌دهد که آنها دارای سه جفت بال هستند. آنها از مقریین درگاه الهی هستند و وظایف مخصوصی درمورد اعلام قدوسیت خداوند دارند (اشعیا ۶: ۱-۸). کرویین دارای دو جفت بال هستند و وظایف مخصوصی درمورد حفاظت تخت الهی دارند (حزقیال ۱: ۴-۲۵ و ۱۰: ۱-۲۲، مکاشفه ۴: ۶-۸). با این حال بسیاری از فرشتگان بال ندارند، زیرا اگر بال داشتند هیچ کس آنها را با انسان اشتباه نمی‌کرد. درمورد فرشتگان همیشه به صورت مذكر گفتگو می‌شود هر چند صریحا گفته شده است که آنها نه نکاح می‌کنند و نه نکاح کرده می‌شوند (متی ۲۲: ۳۰). فرشتگان غیرفانی هستند و نمی‌میرند (لوقا ۲۰: ۳۶). تعداد آنها بی‌شمار است (عبرانیان ۱۲: ۲۲). از مکاشفه ۵: ۱۱ می‌توان فهمید که صدها میلیون فرشته وجود دارد.

فرشتگان بطور دائم و بدون وقفه مشغول فعالیت هستند هر چند ما معمولا آنها را نمی‌بینیم و حضورشان را احساس نمی‌کنیم. اگر این نگهبانان آسمانی بطور دائم از ما پاسداری نمی‌کردند، احتمال فراوانی وجود می‌داشت که زندگی مسیحیان توسط حملات روح‌های شریر با خطرات جدی مواجه شود. فرشتگان از تمام ایمانداران مواظبت می‌نمایند و آنها را از خطرات و شرارت‌های نادیدنی حفظ می‌کنند. کتاب مقدس می‌فرماید: «زیرا که فرشتگان خود را درباره تو امر خواهد نمود تا در تمامی راه‌هایت تو را حفظ نماید. تو را بر دست‌های خود بر خواهند داشت مبادا پای خود را به سنگ بزنی» (مزمور ۹۱: ۱۱-۱۲). معمولا وقتی فرشتگان بر مردم ظاهر می‌شوند فوراً پیام خود را به آنها می‌رسانند و زود دور می‌شوند. فرشتگان پاک، خدا را می‌پرستند و حاضر نیستند مورد پرستش واقع شوند. طبیعی است که مردم در حضور آنها دچار ترس می‌شوند و ممکن است وسوسه شوند که آنها را عبادت نمایند (مکاشفه ۲۲: ۸ و ۹). شاید به همین دلیل باشد که خدا اجازه نمی‌فرماید فرشتگان با انسان‌ها مصاحبت نزدیک داشته باشند.

فرشتگان دارای قدرت درک بسیار عالی هستند. انسان به تدریج از یک حقیقت به حقیقت دیگر می‌رسند در حالی که فرشته می‌تواند حقیقت کامل را در یک لحظه درک نماید. آنها می‌توانند اصول را با تمام جنبه‌ها و نتایج مربوطه درک نمایند. با این حال دارای دانایی مطلق نیستند. مثلاً روز و ساعت مراجعت مسیح را نمی‌دانند (مقرس ۱۳: ۳۲). طبق اول پطرس ۱: ۱۲ نقشه نجات باعث تعجب فرشتگان گردید و «مشتاق هستند که در آنها نظر کنند». طرز حرکت فرشتگان بسیار حیرت انگیز است، زیرا می‌توانند در یک لحظه از آسمان به زمین بیایند و یا از یک طرف جهان به طرف دیگر بروند بدون اینکه فضا را طی کنند. برای درک حرکت فرشتگان تنها مثال خوبی که وجود دارد قدرت تخیل ماست. افکار و تخیلات ما می‌توانند از آسمان به زمین بیایند و یا مثلاً از ایران به چین و یا یک سوی جهان به سوی دیگر آن بروند. هر چند فرشتگان در مقام مقایسه با انسان دارای قدرت تخیل خیلی بیشتری هستند، ولی در موقع مبارزه با روح‌های شریر که پیرو شیطان هستند، قدرتشان تقریباً با آنها برابری می‌کند. در این مبارزات، فرشتگان برای پیروزی باید به خدا متکی باشند (یهودا ۸ و ۹).

در زمان دانیال یک فرشته نیرومند توانست از میان نیروهای ظلمت بگذرد و جواب دعا را به او برساند تا اینکه میکائیل به کمک او آمد (دانیال ۱۰). وقتی شیطان تمام نیروهای خود را بسیج نماید، به قدری نیرومند می‌گردد که برای شکست او دوازده فوج فرشته لازم است (متی ۲۶: ۵۳). در زمان مصیبت عظیم فوج‌های آسمانی به فرماندهی میکائیل علیه شیطان نبرد خواهند کرد و او را با فرشتگان شریرش از آسمان بیرون خواهند راند. (قسمتی که در مکاشفه فصل دوازدهم در این مورد سخن می‌گوید احتمالاً از نظر دیگر مربوط است به اخراج شیطان از بهشت): «و در آسمان جنگ شد، میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگ کردند و اژدها و فرشتگانش هم جنگ کردند، ولی غلبه نیافتند، بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد و اژدهای بزرگ انداخته شد؛ یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است که تمام ربع مسکون را می‌فریبد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند» (مکاشفه ۱۲: ۷-۹).

کتاب مقدس نام سه فرشته اعظم را ذکر می‌کند که ما هم به هر سه اشاره کردیم:

۱- **میکائیل** یکی از رؤسای اعظم است که به قوم دانیال یعنی بنی‌اسرائیل حکم می‌کند. در زمان مصیبت عظیم به نفع بنی‌اسرائیل خواهد جنگید و آنها را خلاصی خواهد بخشید. بطوری که از آیات فوق‌الذکر برمی‌آید میکائیل و فرشتگانش در آن موقع شیطان و پیروانش را از آسمان بیرون خواهد راند. از دانیال ۱۲: ۱ و ۲ چنین برمی‌آید که میکائیل درمورد رستخیز مردگان نیز نقشی دارد: «در آن زمان میکائیل، امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده

است، خواهند برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده و در آن زمان هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد و بسیاری از آنانی که به جهت خجالت و حقارت جاودانی.»

موضوع مذکور از رساله یهودا آیه ۹ هم مستفاد می‌گردد، زیرا در آنجا نوشته شده است که میکائیل درباره جسد موسی با ابلیس منازعه می‌کرد. (بعدا راجع به این موضوع توضیح بیشتری خواهیم داد).

۲- فرشته اعظم دوم **جبرئیل** است. نام او در کتاب مقدس چهار بار ذکر شده است و در میان فرشتگان مقام عظیمی دارد. از قرار معلوم وظیفه جبرئیل مربوط است به عمل نجات‌بخش خدا. همین جبرئیل بود که رؤیای مربوط به امپراطوری پارس و امپراطوری یونان را برای دانیال تفسیر کرد (دانیال ۸: ۱۵-۱۷). به علاوه در جواب دعا‌های دانیال نزد او آمد و نبوت معروف «هفتاد هفته» را به او داد که مربوط است به پیشگویی زمان آمدن مسیح موعود (دانیال ۹: ۲۰-۲۷). جبرئیل بود که به زکریا ظاهر شد و به او اطلاع داد که خدا به او پسری خواهد داد و سپس جزئیات خدمات این پسر را که او یحیای تعمید دهنده نامیده شد و نداکننده مسیح موعود بود، برای پدرش پیشگویی کرد (لوقا ۱: ۱۱-۲۰). وقتی زکریا اظهار شک نمود که چگونه ممکن است همسرش ایصابات در سن پیری حامله شود، فرشته اعظم چنین گفت: «من جبرئیل هستم که در حضور خداوند می‌ایستم» (لوقا ۱: ۱۹). سپس به زکریا فرمود که چون شک کرده است، گنگ خواهد شد و تا زمان تولد بچه یارای حرف زدن نخواهد داشت.

۳- **لوسیفر** یا «زهره» فرشته اعظمی است که سقوط نموده است. به علت عصیان و نافرمانی او و فرشتگانش که پیرو او بودند از آسمان به زیر افتادند. بعدا درمورد این فرشته کاذب بیشتر توضیح خواهیم داد.

## فصل دوم: خدمات فرشتگان نگهبان

«زنهار یکی از این صفار (یعنی بچه‌های کوچک) را حقیر بشمارید، زیرا شما را می‌گویم که ملائکه ایشان دائماً در آسمان روی پدر مرا که در آسمان است می‌بینند» (متی ۱۸: ۱۰). از آیه مذکور که از فرمایشات عیسی مسیح است، چنین معلوم می‌شود که هر کودکی در موقعی که قدم به جهان می‌گذارد تحت سرپرستی یک فرشته نگهبان قرار می‌گیرد و وظیفه این فرشته عبارت است از مراقبت از کودک و کوشش در بهروزی وی. مسیح وقتی این فرمایش مهم را فرمود که شاگردانش نزد او آمده پرسیدند: «چه کس در ملکوت آسمان بزرگتر است؟» (متی ۱۸: ۱). عیسی در جواب آنها طفل کوچکی را نزد خود خواند و به آنها فرمود: «تا بازگشت نکنید و مثل طفل کوچک نشوید، هرگز داخل ملکوت آسمان نخواهید شد» (متی ۱۸: ۳). عیسی به کسانی که باعث لغزش کودکان می‌شوند هشدار شدیدی می‌دهد و سپس به اهمیت کودکان در نظر خدا اشاره کرده می‌فرماید که کودکان دارای فرشتگان نگهبان هستند که برای محافظت آنها تعیین شده‌اند.

از فرمایشات مذکور چنین می‌فهمیم که وقتی کودکی در جهان متولد می‌شود، طبق فرمان الهی یک فرشته برای نگهبانی او در تمام عمر تعیین می‌شود. با وجودی که این فرشته مسئول حفظ کودک می‌باشد، روشن است که در این مورد دارای اختیار مطلق نمی‌باشند، بلکه اختیارات او محدودی دارد، زیرا اگر اینطور نبود هیچ کودکی در بچگی فوت نمی‌کرد. طبق کتاب مقدس حقیقت این است که اگر فرزند والدین شریری دارای استعدادهای روحانی باشد، ممکن است خداوند اجازه دهد که این کودک از والدینش گرفته شود تا در محیط آلوده بزرگ نشود و به روح وی آسیبی نرسد. این موضوع را می‌توان از شرح حال یربعام پادشاه و فرزندش ایبا که مریض شد فهمید (اول پادشاهان ۱۴). پادشاه به همسرش گفت که قیافه‌اش را عوض کند و نزد اخیا نبی که پادشاه شدن او را پیشگویی کرده بود برود و از او سؤال کند که فرزندش زنده خواهد ماند یا نه، ولی قبل از آنکه همسر پادشاه نزد نبی برسد خدا با نبی صحبت کرد و به او فرمود که خانواده شریر یربعام دچار غضب الهی شده است و به علاوه ایبا فرزند پادشاه خواهد مرد تا بلایایی را که بر آن خانواده عارض خواهد شد نبیند.

«و تمامی اسرائیل برای او نوحه نموده او را دفن خواهند کرد، زیرا که او تنها از نسل یربعام به قبر داخل خواهد شد به علت اینکه با او چیز نیکو نسبت به یهوه خدای اسرائیل در خاندان یربعام یافت شده است» (اول پادشاهان ۱۴: ۱۳). وقتی فرزندان در کودکی یا جوانی فوت می‌نمایند ما غالباً چنین واقعه‌ای را مصیبت بزرگی می‌شماریم، ولی همیشه اینطور نیست. خدا با پیش‌دانی خود از وقایعی با خبر است که صلاح می‌داند کودک از این جهان برود و توسط فرشته نگهبان به بهشت الهی برده می‌شود و در آنجا پرستاری گردد و تعلیم بیابد.

ماریتا دیویس، در رؤیای مشهور خود که طی آن مدت نه روز از بهشت بازدید نمود اجازه یافت ببیند بعد از مرگ چه اتفاقی برای کودکان روی می‌دهد. هر چند نمی‌توان تعلیم و اعتقادات مسیحی را از رؤیا استنتاج نمود، ولی باید قبول کرد که رؤیای ماریتا از نظر صداقت و مطابقت آن با تعالیم کتاب مقدس در مورد بهشت بسیار جالب است. ماریتا در رؤیای خود مشاهده نمود که فرشتگان نگهبان از بهشت کودکان مأموریت می‌یابد که کودکانی را که از جهان خارج می‌شوند به طرف بهشت رهبری نمایند. وقتی فرشتگان، این کودکان را در آغوش می‌گیرند در آنها می‌دمند و آنها را به قسمت کودکان می‌برند. به ماریتا اجازه داده شد که از این بهشت کودکان بازدید نماید. او بهشت کودکان را چنین شرح می‌نماید: «دشت بسیار زیبایی است پر از گل‌های رنگارنگ که در آن پرندگان با هماهنگی کامل مشغول سرائیدن هستند. این دشت به قدری زیباست که به هیچ وجه با دشت‌های زیبای این جهان قابل مقایسه نمی‌باشند. در بهشت کودکان، بچه‌ها به وسیله فرشتگان نگهبان خود تعلیم داده می‌شوند.»

ماریتا مشاهده کرد که در بهشت نیز رشد و پیشرفت وجود دارد. وقتی کودکان دروس مقدماتی خود را به پایان رساندند به کلاس‌های بالاتر ارتقا می‌یابند. به علاوه به ماریتا اطلاع داده شد که کودکان با توجه به استعدادها و نیروهای فکری خود از قبیل استعداد هنری، علمی یا اجتماعی تقسیم‌بندی شده و در محیط‌هایی قرار داده می‌شوند که استعدادهای ذاتی آنها رشد پیدا کند. حتی فرشتگان از نظر استعداد و نیروی فکری با هم تفاوت دارند و وقتی

برای تعلیم و محافظت تعیین می‌شوند باید با کودکانی که تحت سرپرستی آنها هستند شباهت داشته باشند. ماریتا اجازه یافت کودکانی را مشاهده کند که به حضور نجات یافته می‌رفتند و از او برکت می‌یافتند. فرشته‌ای که ماریتا را راهنمایی می‌کرد چنین گفت: «اگر انسان از پاکی و مصاحبت با خدا دور نمی‌شد و رابطه خود را با موجودات روحانی از دست نمی‌داد، زمین جای بسیار مناسبی برای روح‌هایی می‌بود که تازه تولد یافته بودند، ولی در وضع فعلی این امکان وجود ندارد.»

هر چند رؤیای ماریتا جزئی از کتاب مقدس نیست، ولی با مکاشفه الهی در کلام خدا مطابقت دارد. اطمینان داریم که فرشتگان نگهبان که در موقع زندگی کودکان در این جهان آنها را محافظت می‌نمایند در صورتی که کودکان فوت نمایند، روحشان را با احتیاط کامل به بهشت خواهند برد و این کودکان در آنجا همیشه کودک نخواهند ماند، بلکه به تدریج جوان و بزرگ می‌شوند.

حال برگردیم به بحث خودمان درباره کار فرشتگان نگهبان بر روی زمین. با اتکا به فرمایش عیسی مسیح، می‌توانیم با اطمینان بگوییم که هر کودکی دارای فرشته نگهبانی است. سؤالی که پیش می‌آید این است که فرشته نگهبان تا چه حد اجازه دارد که در مورد حفظ کودک از بلایای جسمی و روحی اقدام نماید؟ اگر کودک بعداً تصمیم بگیرد که در راه‌های تاریک و گناه‌آلود قدم بردارد فرشته نگهبان تا چه حد جلوگیری خواهد کرد؟

**مسیحی بودن و مسیحی نبودن والدین در سرنوشت کودک تأثیر بسیار زیادی دارد.** طبق اول قرن‌تین ۷: ۱۴ اگر پدر و مادر هر دو ایماندار مسیحی باشند، کودکان مقدس می‌شوند. به عبارت دیگر فرزندان والدین نجات یافته، در مقام مقایسه با فرزندان والدینی که نجات ندارند، در طبقه کاملاً متفاوتی هستند. به همین سبب والدین مسیحی می‌توانند فرزندان خود را مال خدا بدانند. به همین سبب بود که پولس به زندانیان فیلیپی چنین فرمود: «به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه‌ات نجات خواهید یافت» (اعمال رسولان ۱۶: ۳۱). با وجودی که علی‌الاصول وظیفه فرشته عبارت است از محافظت از کودک، وقتی والدین مسیحی واقعی باشند، کار فرشته بسیار متفاوت می‌گردد. به علاوه اگر والدین با دعا و ایمان کودکان خود را به قدرت الهی بسپارند، وضع باز هم به میزان بیشتری به نفع کودک عوض می‌شود. چنین کودکی در دست خداست؛ یعنی در دست فرشته الهی می‌باشد.

فرشته می‌تواند به نوعی در زندگی کودک تأثیر نماید که او را به طرف مسیح رهبری کند. ما ایمان داریم که مداخله فرشتگان در زندگی کودک والدین مسیحی خیلی بیشتر از آن است که مردم تصور می‌کنند. خدا فرشتگان نگهبان را برای این خدمت مأمور نموده است تا بتوانیم در جهانی که پر از بلایا و حوادث ناگوار است دارای امنیت باشیم.

## فصل سوم: آیا هر مسیحی فرشته نگهبان دارد؟

«فرشته خداوند گرداگرد ترسندگان اوست، اردو زده ایشان را می‌رهند» (مزمور ۳۴: ۷). به سؤالی که عنوان فصل سوم می‌باشد، سراینده مزامیر با ایمان کامل جواب مثبت می‌دهد. فرشتگان فقط در موقع کودکی و جوانی از قوم خدا محافظت نمی‌نمایند، بلکه در سنین بالاتر هم به کار خود ادامه می‌دهند. در کتاب مقدس موارد متعددی وجود دارد که فرشتگان از آدمیان محافظت به عمل آورده‌اند که از آن جمله هاجر و پسرش اسماعیل است. به علت بد رفتاری اسماعیل لازم بود که او و هاجر از خانواده ابراهیم دور باشند. وقتی در بیابان بودند، گم شدند و بدون آب ماندند. هاجر نومید شد، ولی پسرش دعا کرد و خدا برای نجات آنها فرشته‌ای فرستاد (پیدایش ۲۱: ۱۶-۱۹). چشم‌های هاجر باز شد و در همان نزدیکی چاه آبی دید. قبل از اینکه فرشته از آنها جدا شود به آنها وعده داد که از این پسر امت عظیمی به وجود خواهد آمد.

وقتی یعقوب شنید که برادرش عیسو همراه چهار صد مرد به طرف او می‌آید، دچار ترس شدیدی شد، زیرا از آن بیم داشت که برادرش برای اینکه وی نخست‌زادگی را از او دزدیده بود از او انتقام خواهد گرفت. در آن شب فرشته خداوند یعقوب را ملاقات کرد و یعقوب در حالی که اضطراب شدید روحی داشت تمام شب را در دعا کشتی گرفت. در موقع طلوع فجر فرشته به او گفت: «از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود، بلکه اسرائیل زیرا که با خدا و انسان مجاهده کردی و نصرت یافتی» (پیدایش ۳۲: ۲۸). وقتی آن روز صبح عیسو یعقوب را ملاقات کرد، برادر خود را در آغوش کرد و هر دو گریستند (پیدایش ۳۳: ۴). بعداً وقتی یعقوب فرزندان یوسف را برکت داد، به فرشته نگهبان خود اشاره کرد که: «او را از هر بدی خلاصی داد» (پیدایش ۴۸: ۱۶). شاید مقصود و آرزوی یعقوب این بود که فرشته نگهبان او بعد از مرگش دو نوه او یعنی افرایم و منسی را هم نگهبانی کند.

وقتی ایلیای نبی بعد از مبارزه سخت و پیروزی بر انبیای بعل شنید که ایزابل می‌خواهد سر او را از تنش جدا کند، برای خلاصی جان خود به بیابان ئبرشع گریخت. در آنجا دعا کرد که خداوند جانش را بگیرد، ولی خدا فرشته‌ای فرستاد که دو بار برای او غذا تهیه کرد و ایلیا با قوت همین غذا توانست تا کوه حوریب که یک مسافت بسیار طولانی بود مسافرت نماید (اول پادشاهان ۱۹: ۴-۸). وقتی الیشع در دوتان بود، پادشاه سوریه لشکری فرستاد تا آن مکان را محاصره کند و او را اسیر سازد. خادم الیشع صبح زود برخاست و دید لشکریان او آن محل را محاصره کرده‌اند و از این وضع خیلی ترسید، ولی الیشع دعا کرد که چشم‌های خادمش باز شود و لشکر فرشتگان را که خدا برای محافظت فرستاده بود مشاهده نمایند: «و الیشع دعا کرد گفت ای خداوند، چشم‌های او را بگشا تا ببیند. پس خداوند چشمان خادم را گشود و او دید که اینک کوه‌های اطراف الیشع از سواران و ارابه‌های آتشین پر است» (دوم پادشاهان ۶: ۱۷).

در کتاب دانیال نبی چند مورد درباره فعالیت فرشتگان ذکر شده است. وقتی سه جوان عبری بدون آنکه صدمه‌ای ببینند از کوه آتش بیرون آمدند، نبوکدنصر پادشاه چنین گفت: «مبارک باد خدای شدرک و میشک و عبدنغو که فرشته خود را فرستاد و بندگان خویش را که بر او توکل داشتند... رهایی داده است» (دانیال ۳: ۲۸)، چون دانیال از دعا کردن به خدای اسرائیل دست نمی‌کشید، دشمنانش علیه او توطئه‌ای چیدند تا او به چاه شیران افکنده شوند. این دشمنان در انجام نقشه بدخواهانه خود موفق شدند و با وجودی که پادشاه از این توطئه ناراضی بود، ولی به علت اینکه نفرامین مادیان و فارسیان تبدیل و تغییر پیدا نکنند، دانیال به چاه شیران افکنده شد. پادشاه در آن شب نتوانست بخوابد و صبح بسیار زود بر سر چاهی که دانیال را در آن انداخته بودند آمد و به او گفت: «ای دانیال، بنده خدای حی، آیا خدایت که او را پیوسته پرستش می‌نمایی به رهایی‌دنت از شیران قادر بوده است؟» دانیال جواب داد: «ای پادشاه، تا به ابد زنده باش. خدای من فرشته خود را فرستاده دهان شیران را بست تا به من ضرری نرسانند، چونکه به حضور وی در من گناهی یافت نشد» (دانیال ۶: ۲۰-۲۲).

در عهد جدید خدمات فرشتگان در موارد گوناگون مذکور شده است. همانطوری که قبلاً اشاره شد جبرئیل بر مریم و ذکریا ظاهر شد و مژده تولد عیسی و یحیای تعمید دهنده را به آنها اعلام کرد. یوسف، نامزد مریم توسط فرشته



چند بار از خطرات احتمالی آگاه شد و در خواب از فرشته راهنمایی مخصوص یافت. اولین بار فرشته به او گفت: «از گرفتن زن خویش مریم نترس، زیرا که آنچه در وی قرار گرفته است از روح القدس است» (متی ۱: ۲۰). بعداً فرشته به یوسف هشدار داد که در سرزمین خود نماند، زیرا هیرودیس قصد داشت طفل را بکشد (متی ۲: ۱۳). بعد از مرگ هیرودیس فرشته دوباره ظاهر شد و به یوسف گفت طفل و مادرش را دوباره به سرزمین اسرائیل برگرداند (متی ۲: ۲۰).

در سال‌های اول تأسیس کلیسا، هیرودیس پادشاه قصد داشت بعضی از رسولان را به قتل برساند. او یعقوب را با شمشیر به قتل رسانید و پطرس را هم زندانی کرد، ولی کلیسا با جدیت دعا می‌کرد. در آن شب وقتی کشیکچیان مشغول نگهبانی زندان بودند، فرشته خداوند به آنجا وارد شد و پطرس را بیدار نمود و او را بدون اینکه صدمه‌ای ببیند به خارج راهنمایی کرد (اعمال رسولان ۱۲). وقتی پولس با کشتی مسافرت می‌کرد و گرفتار طوفان شدیدی گردید، مدت دو هفته مشغول دعا و روزه شد. در پایان این مدت فرشته خداوند نزد او ایستاد و به او گفت که وی و تمام سرنشینان کشتی نجات خواهند یافت (اعمال رسولان ۲۷: ۲۱-۲۵). البته موارد دیگری هم وجود دارد، ولی در همین چند نمونه کافی است نشان دهد که خدا فرشتگان نگهبانی دارد که از خادمین وی مواظبت می‌نماید. فرشتگان نگهبان در کودکی از آنها مواظبت می‌نمایند و وقتی این خادمین بزرگ می‌شوند فرشتگان نگهبان باز هم به محافظت آنها ادامه می‌دهند. آنچه قطعی به نظر می‌رسد آن است که نقشه خدا این است که فرشتگان به قوم او در تمام ایام عمرشان خدمت کنند. «ایشان روح‌های خدمتگزار هستند که برای خدمت آنانی که وارث نجات هستند فرستاده می‌شوند»

کاملاً روشن است که اعضای کلیسای اولیه کاملاً از این حقیقت آگاهی داشتند که مسیحیان دارای فرشتگان نگهبان هستند. به همین دلیل بود که وقتی به بعضی از اعضای کلیسای اورشلیم گفته شد که پطرس (که به نظر آنها در زندان در انتظار اعدام بسر می‌برد) پشت در خانه ایستاده است، آنها جواب دادند «فرشته او باشد» (اعمال رسولان ۱۲: ۱۵). ظاهراً آنها تصور کردند که پطرس کشته شده است، رودا فرشته او را دیده و خیال کرده که خود پطرس است. با وجودی که کتاب مقدس بطور واضح درباره فرشتگان نگهبان و محافظت آنها از مقدسین سخن می‌گوید، در عین حال روشن است که اگر انسان احتیاط خود را از دست بدهد و در گناه غرق شود بالاخره فرشته نگهبان از او جدا خواهد شد و او را به دست سرنوشت خود خواهد سپرد. این حقیقت در زندگی افراد صادق است و همچنین در مورد اهالی یک شهر نیز صادق می‌باشد. خدا می‌تواند از محافظت یک گروه خودداری نماید همانطوری که در مورد سدوم انجام داد.

وقتی بنی اسرائیل به طرز عجیب و معجزه‌آسایی از دست فرعون مصر خلاصی یافتند و به طرف سرزمین موعود حرکت کردند، مدتی با کمال وفاداری مشغول خدمت خداوند گردیدند، ولی بعد از مرگ یوشع و بزرگان قوم، فرزندان اسرائیل به بت‌پرستی مشغول شدند، به همین دلیل فرشته خدا اعلام کرد که دیگر ساکنان زمین را بیرون نخواهد راند، بلکه آنها به منزله خاری برای پهلوهایی بنی اسرائیل خواهند بود. همین طور هم شد و اسرائیل مدت هشت سال به اسارت پادشاه بین‌النهرین درآمد. پس معلوم می‌شود که فرشتگان دائماً مواظب ما هستند (اول قرن‌تین ۴: ۹). نویسنده کتاب جامعه ما را هشدار می‌دهد و می‌گوید نباید فکر کنیم که کارهایی که از نظر مردم مخفی هستند از نظر فرشتگان هم پنهان است «مگذار که دهانت جسد تو را خطاکار سازد و در حضور فرشته مگو که سهوا شده است، چرا خدا سبب قول تو غضبناک شده عمل دست‌هایت را باطل سازد» (جامعه ۵: ۶).

اگر مردم متوجه باشند که فرشته‌ای آنها را نگاه می‌کند، طرز رفتار عده زیادی تغییر خواهد کرد! فرشتگان تمام کارهای ما را اعم از کارهای خوب یا بد، نیکو یا پلید، ثبت می‌نمایند. در پیش تخت سفید و عظیم داوری، دفترها گشوده خواهد شد و گناهای که با خون مسیح پوشانیده نشده‌اند ظاهر خواهند گردید. مردم با توجه به کارهایی که در طول زندگی خود انجام داده‌اند دادرسی خواهند شد. کسانی که نامشان در دفتر حیات یافت نشود از ورود به شهر مقدس یعنی اورشلیم جدید محروم خواهند گردید. خدا را شکر که خون عیسای مسیح می‌تواند ما را از هر گناه پاک سازد. گناهایی که توسط فرشته ثبت گردیده‌اند وقتی اعتراف شوند پاک خواهند گردید (اعمال رسولان ۳: ۱۹). به علاوه اعمال عادلان نیز ثبت خواهد شد، ولی اینها محو نخواهند گردید، بلکه در کتاب یادگار برای همیشه در حضور خداوند یادگاری می‌شوند: «آنگاه ترسندگان خداوند با یکدیگر مکالمه کردند و خداوند گوش گرفته ایشان را استماع کرد و کتاب یادگاری به جهت ترسندگان خداوند و به جهت آنانی که اسم او را عزیز داشتند مکتوب شد» (ملاکي

۳: ۱۶). تمام کارهای ایمانداران در حضور خداوند ثبت می‌شوند و از قرار معلوم این کار را فرشتگان ثبت‌کننده انجام می‌دهند. اگر کارهای ایمانداران به نام مسیح انجام شده باشد پاداش خواهند یافت، ولی کارهایی که به خاطر نفع پرستی و یا تظاهر انجام شده باشد پاداشی نخواهد داشت. «زیرا لازم است که همه ما پیش‌سند مسیح حاضر شویم تا هر کس اعمال بدنی خود را بیابد به حسب آنچه کرده باشد چه نیک و چه بد» (دوم قرنتیان ۵: ۱۰). پولس رسول به علاوه نشان می‌دهد که بسیاری از کارهایی که توسط مسیحیان، کم عمق انجام می‌شود مانند چوب یا گیاه و یا کاه است. اینها در روز داوری سوخته خواهند شد هر چند خود شخص نجات یابد، اما چنانکه از میان آتش، «لیکن کسی که برابر آن بنیاد عمارتی از طلا و نقره یا جواهر یا چوب و گیاه و کاه بنا کند، کار هر کس آشکارا خواهد شد، زیرا که آن روز آن را ظاهر خواهد نمود، چونکه آن به آتش به ظهور خواهد رسید و خود آتش عمل هر کس را خواهد آزمود که چگونه است. اگر کاری که کسی بر آن گذرانده باشد بماند، اجر خواهد یافت و اگر عمل کسی سوخته شود زیان به او وارد آید هر چند خود نجات یابد، اما چنانکه از میان آتش» (اول قرنتیان ۳: ۱۲-۱۵).

مأموریت دیگری هم وجود دارد که توسط این پیام‌آوران نامرئی الهی انجام می‌شود. آنها بر روی مردان و زنانی که برای دیگران دعا می‌کنند نشان می‌گذارند. در حزقیال ۹: ۱-۶ چنین می‌خوانیم که چگونه خدا به پیام‌آوران آسمانی که «دوات کاتب را بر کمر داشت» دستور فرمود که از میان کوچه‌های شهر بگذرد «و بر پیشانی کسانی که سبب همه رجاساتی که در آن کرده می‌شود آه و ناله می‌کنند نشان بگذارد» (آیه ۴). به فرشتگانی که مامور اجرای فرمان الهی برای آن شهر بودند گفته شد که از کشتن تمام کسانی که نشانه‌گذاری شده بودند خودداری کنند (آیه ۶). اگر تو با وفاداری برای سایرین دعا کنی، فرشته خداوند تو را علامتگذاری خواهد کرد تا محافظت شوی. کسانی که زندگی خود را بطور کامل برای خدا وقف کرده‌اند بطور مخصوصی توسط فرشتگان محافظت می‌شوند. این وعده برای همه نیست، بلکه برای «آنکه در سطر حضرت اعلی نشسته است زیر سایه قادر مطلق ساکن خواهد بود»، مزمور نود و یکم شامل وعده‌های بسیار عالی برای ایمانداران وقف شده است. چنین ایمانداری از خطرات و صدمات و دام‌های دشمن حفظ خواهد شد. چطور؟ توسط خدمات فرشتگان.

«هیچ بدی بر تو واقع نخواهد شد و بلایایی نزد خیمه تو نخواهد آمد، زیرا که فرشتگان خود را درباره تو امر خواهم فرمود تا در تمامی راه‌هایت تو را حفظ نمایند. تو را بر دست‌های خود بر خواند داشت مبادا پای خود را به سنگ بزنی. بر شیر واقعی پای خواهی نهاد، شیر بچه و اژدها را پایمال خواهی کرد» (مزمور ۹۱: ۱۰-۱۳). این وعده‌ای است در مورد محافظت در برابر بدی و بلا و تصادفات ناگوار و در مقابل شیطان. شکی نیست که وقتی به ابدیت وارد شویم، همه چیز برای ما روشن خواهد شد. خواهیم فهمید که بارها به خطرهای بدبختی‌ها خیلی نزدیک بوده‌ایم بدون اینکه از آن خبر داشته باشیم، ولی فرشتگان خدا از خطرات آگاهی داشته‌اند، چون زندگی خود را به دست خدا سپرده بودیم از خطرات و شاید مرگ ناگهانی خلاصی یافته‌ایم. یک نفر مهندس تعریف می‌کرد که چگونه یک هتل آتش گرفت و هشت نفر جان خود را از دست دادند، ولی او و زنش بر اثر مداخله فرشته نجات یافتند. او چنین می‌گفت:

«در آن شب من و همسرم در هتل بودیم. من در حدود ساعت ۳:۰۲ بامداد از خواب برخاستم. آتش با سرعت زیادی به طرف ما می‌آمد. من در را باز کردم و به آتش نگاه کردم و دوباره بستم. به همسرم گفتم که نمی‌توانیم بیرون برویم، زیرا همه جا را آتش فرا گرفته است. احساس می‌کردم که پایان عمر هر دوی ما رسیده است، ولی دعا کردم و از خداوند درخواست نمودم که ما را نجات دهد. بعد به طرف در برگشتم و یک موجود آسمانی را دیدم در حالی که صدایی به من چنین می‌گفت: فرشته خداوند گرداگرد ترسندگان اوست، اردو زده ایشان را می‌رهاند. من همسرم را برداشتم و در را باز کردم و وارد راهرو شدم. در حالی که جلو می‌رفتم مثل این بود که شعله‌های آتش عقب می‌رفتند و دود غلیظ هم کنار می‌رفت تا اینکه ما به سالن پذیرایی هتل رسیدیم.»

### بین فرشتگان و انسان مصاحبت وجود ندارد

اینطور به نظر می‌رسد که با وجودی که فرشتگان دوستان نامرئی هستند، ولی با انسان مصاحبت نمی‌کنند. این موجودات آسمانی اسرار خود را حفظ می‌نمایند و معمولاً با انسان‌ها رابطه برقرار نمی‌سازند. وقتی یعقوب از فرشته نامش را پرسید فرشته از افشای آن خودداری کرد و به او گفت: «چرا اسم مرا می‌پرسی؟» (پیدایش ۳۲: ۲۹). فرشتگان به عنوان پیام‌آوران خدا به قدری به او نزدیک هستند که غالباً کلام آنها به منزله کلام الهی است. فرشتگان به قدری به خدا نزدیک محسوب می‌شدند که در دوره عهد عتیق روایتی وجود داشت که هر کس فرشته‌ای ببیند

خواهد مرد. البته این عقیده جنبه خرافاتی دارد. وقتی جدعون فرشته را دید چنین گفت: «آه، ای خداوند یهوه، چونکه فرشته خداوند را رو به رو دیدم» خداوند او را دلداری داد و فرمود: «سلامتی بر تو باد، نترس، نخواهی مرد» (داوران ۶: ۲۲ و ۲۱۳). همین وضع برای مانوح پیش آمد. او می‌خواست مرد خدا را که زنش برای او توصیف کرده بود ببیند. زنش به او گفته بود: «مرد خدایی نزد من آمد و منظر او مثل منظر فرشته خدا بسیار مهیب بود. پرسیدم که از کجاست و اسم خود مرا خبر نداد» (داوران ۱۳: ۶). وقتی فرشته به مانوح ظاهر شد و دستوری را که به زن او داده بود تکرار نمود، «کار عجیبی کرد... و بر شعله مذبح صعود نمود.» آنگاه مانوح گفت: «اگر خدا می‌خواست ما را بکشد... همه این چیزها را به ما نشان نمی‌داد» (داوران ۱۳: ۱۹ - ۲۳).

فرشتگان الوهیت ندارند، بلکه مخلوقاتی هستند که نماینده خدا می‌باشند و میل و اراده او را انجام می‌دهند. شکی نیست که در جهان آینده، خداوند ترتیبی خواهد داد که بین فرشتگان و انسان‌ها روابط نزدیکتری وجود داشته باشد، ولی در زمان حاضر، ملاقات میان آنها کوتاه و رسمی است البته این موضوع دلیلی دارد، مردم از قدرت و جلال فرشتگان چنان ترسان می‌شوند که احتمال دارد آنها را پرستش نمایند. ظاهراً در زمان پولس گروهی وجود داشتند که که اعضای آنها به پرستش فرشتگان معتقد بودند. پولس این اعتقاد را به شدت محکوم نمود (کولسیان ۲: ۱۸). حتی یوحنا رسول می‌خواست پیش پای فرشته بیفتد و او را سجد کند، ولی فرشته او را منع نمود و گفت که فقط خدا را سجد کن (مکاشفه ۲۲: ۸ و ۹).

### وقتی فرشته خداوند دور می‌شود

حتماً اوقاتی وجود دارد که فرشته از کسانی که مطیع خدا نیستند دور می‌شود. وقتی خدا اراده فرمود که شهر سدوم را معدوم سازد، دو فرشته نزد لوط آمدند. کتاب مقدس لوط را عادل می‌خواند هر چند نادان بود. خدا از راه شفقت و مهربانی این دو فرشته را فرستاد تا به صورت انسان به لوط ظاهر شوند و به او هشدار بدهند که از آن شهر محکوم به فنا فرار کند. در همان شب نزدیک به خانه لوط شرارت به بدترین صورت ظاهر شد. فرشتگان لازم دیدند که مردم سدوم را به کوری نزدیک سازند تا نتوانند لوط را که آنها را به خاطر کارهای شرارت‌بارشان ملامت می‌کند آسیبی برسانند. وقتی لوط و همسرش درمورد فرار از شهر تأخیر می‌کردند تا بتوانند دختران شوهر کرده خود را راضی کنند که با آنها فرار نمایند، فرشته خداوند دست اعضای آن خانواده را گرفت و تقریباً با زور آنها را از شهر خارج کرد.

«و چون تأخیر می‌نمودند، آن مردان دست او و دست زنش و دست هر دو دخترش را گرفتند، چونکه خداوند بر وی شفقت نمود و او را بیرون آورده در خارج از شهر گذاشتند و واقع شد، چون ایشان را بیرون آورده بودند که یکی به وی گفت جان خود را دریاب و از عقب منگر و در تمام وادی نایست، بلکه به کوه بگریز مبادا هلاک شوی» (پیدایش ۱۹: ۱۶ و ۱۷). در اتفاقی که برای زن لوط روی داد، درس بسیار مهمی وجود دارد. این زن مدت‌ها در سدوم زندگی کرده و با وضع آنجا آشنا بود. ناگهان متوجه شد که فرزند خود را برای همیشه از دست داده است. وقتی لوط و خانواده‌اش توسط فرشته به طرف صوغر شتابانیده می‌شدند همسر لوط عقب ماند. ظاهراً به قدری از سرنوشت دخترانش ناراحت بود که به دستور فرشتگان توجه نکرد و به عقب برگشت و به سدوم نگاه کرد. در همین موقع در شعله آتش گرفتار شد و نمک و گوگرد سوزان او را پوشانید. سال‌ها بعد که عیسی مردم را هشدار می‌داد که موقع رجعت ثانوی او غافل نباشند، چنین فرمود: «زن لوط را به یاد آورید» (لوقا ۱۷: ۳۱ و ۳۲). فرشتگان بر همسر لوط شفقت نمودند، ولی وقتی او غفلت نمود و به طرف سدوم برگشت فرشتگان هم او را به حال خود گذاشتند.

ولی وضع یعقوب با وضع همسر لوط تفاوت داشت. او با فرشته تمام شب را کشتی گرفت و به او اینطور گفت: «تا مرا برکت ندهی تو را رها نکنم» (پیدایش ۳۲: ۲۶). از آن به بعد زندگی یعقوب عوض شد و به شخص مقدسی تبدیل گردید. از این واقعه درسی را می‌آموزیم که اگر بخواهیم فرشته ما را برکت دهد باید در حالت دعا با خدا کشتی بگیریم. باید مانند یعقوب از گذشته گناه‌آلود خود روگردان شویم. باید اسم جدیدی پیدا کنیم که شایسته دعوت مقدس الهی باشد.

### بلعام و فرشته

در روزگار موسی پیغمبری بنام بلعام زندگی می‌کرد. نبوت‌های او دارای زیبایی قدرت مخصوصی بود. او حتی درباره آمدن مسیح موعود چنین پیشگویی کرد «ستاره‌ای از یعقوب طلوع خواهد کرد و عصایی از اسرائیل خواهد برخاست»

(اعداد ۲۴: ۱۷)، ولی یک روز پادشاهی بنام بالاق عده‌ای را نزد او فرستاد و وعده داد که پاداش خیلی خوبی به او داده خواهد شد، به شرطی که بیاید و قوم اسرائیل را لعنت کند. خدا با بلعام سخن گفت و فرمود که این کار را نکنند (اعداد ۲۲: ۱۲)، ولی وقتی که بالاق اشخاص مهم‌تری را نزد او فرستاد و پاداش بیشتری وعده داد، بلعام به این فکر افتاد که دعا کند شاید فکر خدا عوض شود. اشتباه بلعام از همین جا شروع شد. خداوند برای اینکه گناه بلعام را به او نشان دهد فرشته‌ای نزد او فرستاد. فرشته در ابتدا به الاغ بلعام ظاهر شد و در حالی که شمشیری در دست داشت در راهش ایستاد. الاغ از رفتن به طرف فرشته خودداری کرد و بلعام که متوجه نبود چه چیزی مانع جلو رفتن الاغ شده است، می‌خواست آن حیوان بیچاره را بکشد. آنگاه خداوند چشمان بلعام را باز کرد تا فرشته را ببیند. پیام‌آور خداوند با بلعام سخن گفت و او را به خاطر تمردی که کرده بود، توبیخ کرد. پیغمبر مزبور که از دیدن فرشته ترسیده بود ظاهراً توبه کرد، ولی هرگز نتوانست از پول‌پرستی آزاد شود. کتاب مقدس می‌فرماید که بلعام گمراه شد و «بالاق را آموخت که در راه بنی‌اسرائیل سنگی مصادم بیندازد تا قربانی‌ها را بخورند و زنا کنند» (مکاشفه ۲: ۱۴). بلعام هرگز نتوانست درس خود را بیاموزد و بالاخره فالگیر شد و در تخت محکومیت الهی قرار گرفت و کشته شد (یوشع ۱۳: ۲۲).

بدین طریق معلوم می‌شود که با وجودی که فرشتگان از کودکان نگهبانی می‌کنند، ولی وقتی کودک بزرگ می‌شود، اگر راه شرارت و گناه را انتخاب کند زمانی خواهد رسید که همانطوری که درمورد بلعام اتفاق افتاد فرشته ناراضی خواهد شد و دیگر از وی مراقبت نخواهد نمود. شاؤول هم که زمانی با خدا نزدیک بود همین وضع را داشت. بر اثر سرپیچی از فرمان الهی و به علت خودخواهی عواملی ایجاد کرد که بالاخره خدا او را ترک نمود. شرح غم‌انگیز این واقعه در اول سموئیل ۲۸: ۶ مذکور می‌باشد: «و شاؤول از خداوند سؤال نمود و خداوند او را جواب نداد نه به خواب‌ها و نه به اوریم نه به انبیا.» بالاخره شاؤول از شدت نومیدی نزد زنی که صاحب اجنه یا فالگیر بود رفت و از او خواست که روح سموئیل نبی را از مردگان احضار کند. فکر بیهوده‌ای بود، زیرا دیگر خدا با شاؤول نبود. در پایان بدون اینکه توسط خدا محافظت شود در جنگ با فلسطینی‌ها کشته شد. وقتی خدا دشمن ما می‌شود، فرشتگانی هم که نگهبان ما بودند دشمن ما می‌شوند. داوود نبی که توسط شاؤول مورد جفا قرار گرفته بود سخنان زیر را می‌نویسد و از آن آیات معلوم می‌شود که فرشته به جای نگهبانی از شاؤول با او مخالفت می‌کردند:

«خجل و رسوا شوند آنانی که قصد جان من دارند و آنانی که بد اندیش من هستند بر گردانیده و خجل شوند. مثل کاه پیش روی باد باشند و فرشته خداوند ایشان را براند. راه ایشان تاریکی و لغزنده بود و فرشته خداوند ایشان را تعاقب کند» (مزمور ۳۵: ۴-۶). «به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند... همه چیز برای خیریت ایشان با هم در کار است»، ولی اگر خدا را دوست نداشته باشیم و کارهای شیرانه انجام دهیم، همه چیز برای بدی ما در کار خواهد بود.

### کار فرشتگان در موقع مرگ ایمانداران

عده زیادی از مقدسین که در حال مرگ بوده‌اند در رؤیا دیده‌اند که فرشتگان به آنها کمک کرده‌اند که از این جهان به جهان دیگر بروند. آیا این شهادت‌ها واقعیت دارند یا اینکه افراد دچار خیالات و وهم و تصور شده و خودشان را فریب داده‌اند؟ عیسای مسیح در این مورد جواب بسیار روشنی فرموده است. او فرمود که مرد ثروتمندی هر روز لباس‌های پر زرق و برق می‌پوشید و عمر خود را در عیش و کامرانی صرف می‌کرد. فرصت نداشت که به فقیری که به در خانه او می‌نشست کمک کند و برای خدا هم وقت نداشت. ثروتمند بود و به قدری مشغول بود که برای موضوعاتی مانند مذهب و خدا فرصت پیدا نمی‌کرد، ولی یک روز عمرش به پایان رسید. پنج برادرش او را با احترام فراوان به خاک سپردند و سپس دارایی او را بین خودشان تقسیم کردند. مرد ثروتمند وقتی از این جهان رفت از سرزمین نجات یافتگان کسی به استقبال او نیامد، بلکه روحش به مناطق تاریک و پرظلمت؛ یعنی نزد روح‌های گناهکار دیگر نزول کرد. ایلعازر فقیر نیز فوت کرد، ولی او که از نظر ثروت دنیوی فقیر بود به خدا ایمان داشت. یکی از فرشتگان خداوند به استقبال وی آمد. وقتی زمان رفتن ایلعازر از این جهان فرا رسید، فرشته، فرشتگان دیگری را احضار کرد و آنها آمدند و روح خسته او را به آغوش ابراهیم (یعنی به بهشت) بردند. «باری آن فقیر بمرد و فرشتگان او را به آغوش ابراهیم بردند» (لوقا ۱۶: ۲۲).

بدین طریق با مرگ شخص دوره خدمات و کارهای فرشتگان تا آنجا که مربوط به این جهان است، به پایان می‌رسد، ولی روابط فرشتگان با انسان محدود به این جهان نیست. در جهان آینده، عادلان مثل فرشتگان خواهند بود (لوقا ۲۰: ۳۶). حتی از بعضی جهات عادلان از فرشتگان بالاتر خواهند بود در حالی که این افتخار به فرشتگان داده نمی‌شود. برای موجودات خلق شده هیچ مقامی بالاتر از عروس مسیح بودن وجود ندارد (مکاشفه ۱۹: ۷-۹).

«و فوراً بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوت‌های افلاک متزلزل گردد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تا به کران فلک فراهم خواهند آورد» (متی ۲۴: ۲۹-۳۱). از فرمایشات مسیح که نقل شد چنین برمی‌آید که به فرشتگان مأموریت داده خواهد شد که در موقع مراجعت مسیح برگزیدگان را جمع کنند. همانطوری که قبلاً گفتیم از قرار معلوم فرشته اعظم میکائیل درمورد زنده شدن عادلانی که خوابیده‌اند نقشی خواهد داشت. نام این فرشته اعظم درمورد جسد موسی در رساله یهودا آیه نهم و همچنین درمورد قیام کلی در دانیال ۱۲: ۱ و ۲ ذکر شده است. میکائیل گروه عظیمی از فرشتگان را تحت فرمان خود دارد و این موجودات آسمانی در حوادث عظیم قیامت شرکت خواهند داشت (مکاشفه ۱۲: ۷). وقتی مسیح مراجعت فرماید؛ یعنی در موقع فراهم آمدن مقدسین، فرشتگان کار خود را چگونه انجام خواهد داد؟

چنین معلوم می‌شود که فرشتگان در همان موقعی خواهند آمد که مسیح در ابرهای آسمان ظاهر می‌شود. احتمالاً به هر فرشته‌ای مأموریت داده خواهد شد که بدن یکی از مقدسین را زنده کند همانطوری که درمورد میکائیل ذکر شده است. طبق آیه ۹ رساله یهودا، شیطان و فرشتگان برای بدن مقدسین منازعه می‌کنند و بیهوده می‌کوشند که از قیام آنها جلوگیری کنند. البته این تلاش آنها از روی نومیدی است، زیرا می‌دانند که زنده شدن مقدسین باعث خواهد شد که نیروهایی که بر ضد آنها تجهیز شده‌اند قوی‌تر گردند. کوشش‌های آنها برای جلوگیری از زنده شدن مردگان، مانند تمام کوشش‌های قبلی که برای خنثی کردن نقشه خدا انجام داده‌اند، بی‌نتیجه خواهد ماند. بدن‌های مقدسین زنده خواهد شد تا بتوانند خداوند را در هوا ملاقات کنند. فرشتگان (با احتمال زیاد فرشتگان نگهبان هر ایماندارانی) تمام ایماندارانی را که هنوز نمرده‌اند از تمام نقاط جهان جمع‌آوری خواهند کرد (متی ۲۴: ۳۱). تمام ایمانداران از قاره آمریکا، آفریقا، مشرق زمین، از پشت پرده آهنین در کشورهای کمونیستی و از جزایر دریاها و سایر جاها جمع‌آوری خواهند شد. به طرزی که برای ما قابل درک نیست بدن‌های ما تغییر خواهد یافت و به شکل بدن پرجلال مسیح در خواهند آمد. در همان حال به هوا رבוده خواهیم شد و به مقدسین زنده شده‌ای که در هوا هستند ملحق خواهیم گردید. چه روز پرشکوهی! مقدسین عهد عتیق که زنده شده و احتمالاً وظایف مهمی به عهده گرفته‌اند به این انبوه عظیم خواهند پیوست (متی ۲۷: ۵۱ و ۵۲). کتاب مقدس جزئیات پایان تاریخ جهان را ذکر نمی‌کند، ولی به آسانی می‌توان تصور کرد بزرگترین واقعه تاریخ بشریت خواهد بود.

## فصل پنجم: زهره یا فرشته اعظم کاذب

«ای زهره، دختر صبح، چگونه از آسمان افتاده‌ای! ای که امت‌ها را ذلیل می‌ساختی، چگونه بر زمین افکنده شده‌ای! و تو در دل خود می‌گفتی به آسمان صعود نموده کرسی خود را بالای ستارگان جدا خواهم افراشت و بر کوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهم نمود. بالای بلندی‌های ابرها صعود کرده مثل حضرت اعلی خواهم شد، لیکن به هاویه با سفلهای حفره فرود خواهی شد» (اشعیا ۱۴: ۱۲-۱۵). مطالبی که در مورد فرشتگان نوشتیم بدون ذکر شرح حال غم‌انگیز زهره یعنی فرشته کاذب و گمراه ناقص خواهد بود. شرح سقوط این فرشته اعظم نیرومند در حزقیال ۲۸: ۱-۱۹ مذکور می‌باشد. زهره که در ابتدا به این نام خوانده می‌شد، ولی حالا شیطان نام دارد، موجودی بی‌گناه و عادل بود. خدا به او چنین می‌فرماید: «از روزی که آفریده شدی تا وقتی که بی‌انصافی در تو یافت شد، به رفتار خود کامل بودی» (حزقیال ۲۸: ۱۵). قبول این مطلب مشکل است که این موجود شریر که بزرگترین دشمن خدا و انسان است، زمانی بسیار پاک بوده و از طرف خدا اختیارات و قدرت فراوانی داشته است. چه شد که این فرشته اعظم و نیرومند از مقام پرجلال خود سقوط کرد و رئیس نیروهای ظلمت گردید! زهره دارای زیبایی و جذابیت زیادی بود و در عین حال حکمت فراوان داشت و به همین دلیل مورد تمجید موجودات سماوی قرار می‌گرفت.

در کتاب مقدس می‌خوانیم که دل او از زیبایی‌اش مغرور گردید (حزقیال ۲۸: ۱۷). کار به جایی رسید که فکر کرد که انجام دادن میل و اراده خدا نمی‌تواند او را شاد سازد و تصمیم گرفت «کرسی خود را بالای ستارگان جدا» قرار دهد و هدفش این بود که «مثل حضرت اعلی» بشود (اشعیا ۱۴: ۱۳ و ۱۴)، ولی خدا در نقشه ابدی خود این مقام را فقط برای مسیح تعیین کرده بود و نه برای زهره. قرار بود که فقط مسیح با خدای پدر بر تخت بنشیند (مکاشفه ۳: ۲۱). زهره لازم بود مقامی پایین‌تر از مسیح داشته باشد، ولی معلوم شد که از این وضع ناراضی است. وقتی مسلم گردید که نمی‌تواند بهترین مقام را داشته باشد حس جاه‌طلبی او اغنا نگردید. به همین علت به فکر عصیان و یاغیگری افتاد. حال ممکن است برای عده‌ای این سؤال پیش آید که زهره چگونه امید داشت به انجام کاری موفق شود که تاج و تخت الهی را مورد تهدید قرار دهد؛ یعنی چطور می‌توانست در حالی که بر ضد خدا کار می‌کرد به موقعیت خود اطمینان داشته باشد؟ بدیهی است که عصیان و یاغیگری شیطان به هیچ وجه آنی و از روی احساسات زودگذر نبود، بلکه وی برای تمام کارهای خود نقشه‌های دقیق و حساب شده طرح کرده بود.

حتما خودش اطمینان داشت که موفق خواهد شد، زیرا در غیر این صورت این کار دراز مدت را شروع نمی‌کرد. البته باید اعتراف کرد که توطئه شریرانه او بر ضد خدا تا حد بسیار زیادی قرین موفقیت گردید، ولی علت اصلی شکست نهایی نقشه شیطان این بود که خدا وارد شدن شرارت به جهان را پیش‌بینی کرده و برای مقابله با آن از مدت‌ها قبل نقشه‌ای عالی طرح فرموده بود که نقشه نجات خوانده می‌شود. در فصل دهم کتاب دانیال نبی به مبارزه روحانی بین فرشتگان خدا و فرشتگان شیطان اشاره شده است. در آنجا ماهیت وقایع جهان نامرئی روشن می‌گردد. در این مورد یکی از فرشتگان شیطان که دارای مقام عالی بود توانست مدت بیست و یک روز مانع رسیدن پیام فرشته الهی به دانیال بشود. این نیروی شرارت و ظلمت فقط وقتی عقب‌نشینی کرد که فرشته اعظم میکائیل به کمک فرشته الهی آمد. این قسمت بسیار مهم از کلام خدا نشان می‌دهد که سپاهیان شیطان فقط وقتی مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند که نیروی فرشتگان الهی از آنها بیشتر باشد (دانیال ۱۰: ۱۲ و ۱۳). نقشه اصلی شیطان این بود که اکثریت زیادی که بدست می‌آورد سایر فرشتگان را فریب دهد و آنها را به خیانت به خدا وادار سازد؟ حتما از همان راهی که حوا را فریب داد.

حوا مخلوق فانی بود و از مرگ می‌ترسید. فرشتگان مخلوقات غیرفانی هستند و از مرگ نمی‌ترسند، زیرا هرگز نمی‌میرند (لوقا ۲۰: ۳۶). به علاوه، شرارت هنوز وارد جهان نشده بود و هیچ موجودی با چشم خود ندیده بود که گناه چه نتایج وخیمی دارد. ظاهرا فرشتگانی که در عصیان شیطان شرکت کردند ایمانشان نسبت به خدا آنقدر زیاد نبود که بتوانند به کلام الهی اعتقاد پیدا کنند. بنابراین وقتی زهره همانطوری که در مورد حوا عمل کرد، برای فرشتگان شرح داد که چه آتیه درخشانی در پیش خواهند داشت و مانند خدا آزاد و صاحب اختیار خواهند بود، آنها فریب خورده و مقام مقدس خود را ترک کردند و به او پیوستند. به همین دلیل است که هر فرد مسؤولی که به این جهان

قدم می‌گذارد باید یک وقت در زندگی خود تصمیم بگیرد که می‌خواهد خدا را بپرستد یا اینکه خودپرست باشد. بدین طریق یک سوم فرشتگان به زهره یا شیطان پیوستند. البته این موضوع شکست غم‌انگیزی در کار خدا حساب می‌شد، ولی به شیطان این قدرت را نمی‌داد که به پیروزی قطعی برسد و در همین جا بود که شیطان در محاسبات خود دچار اشتباهی عظیم گردید. میکائیل و فرشتگان وی نسبت به خدا وفادار ماندند و فرشتگانی که تحت سرپرستی وی بودند زهره و فرشتگان خیانتکار را از آسمان بیرون راندند.

خدا به هیچ وجه غافلگیر نمی‌شد. البته خدا از اینکه گناه به جهان وارد شده بود احساس ناراحتی عظیمی می‌کرد، ولی هیچ چیز نمی‌توانست از ورود گناه به جهان جلوگیری نماید، زیرا نباید آزادی عمل از انسان سلب شود و افراد آزاد و مسؤول باید اختیار داشته باشند هر تصمیمی که می‌خواهند بگیرند خواه خوب و خواهد بد باشد. با این حال خدا چیزهایی می‌دانست که شیطان از آنها با خبر نبود. خدا می‌توانست حدود و نتایج یاغیگری و عصیان شیطان را پیش‌بینی نماید. می‌دانست با وجودی که شیطان در نقشه او ایجاد نماد و در مرحله نهایی نقشه خدا عملی می‌گردد. شیطان می‌دانست که دلایلی وجود دارد که لااقل برای مدتی طولانی خدا مجبور خواهد بود به او آزادی عمل بدهد. پیروی یک سوم فرشتگان از شیطان نشان می‌داد که او توانسته بود که در میان فرشتگان نارضایی و کشمکش به وجود آورد و بدین طریق موفق شده بود در میان مخلوقات درمورد حکمت و نیکویی خدا شک و تردید به وجود آورد. برای اینکه خدا بتواند سلطنتی پایدار داشته باشد لازم بود نشان دهد که یاغیگری شیطان کاملاً شیرانه و خیانتکارانه بوده است.

لازم بود خدا معلوم سازد که یاغیگری و عصیان چگونه موجودات پاک را به موجوداتی شریر و ظالم تبدیل می‌نماید. لازم بود خدا به مخلوقات خود فرصت دهد که نتایج و عواقب وحشتناک گناه را مشاهده نمایند. به عبارت دیگر لازم بود خدا صحت و حکمت قوانین و شرایع خود را برای اتباع خود ثابت کند و نشان دهد که این ادعای شیطان غلط است که انسان فقط برای حفظ منافع خودش حاضر است خدا را عبادت و خدمت نماید. اعتقاد شیطان این بود که مهم‌ترین چیزی که انسان به آن توجه دارد و برای آن تلاش می‌کند وجود خودش است. شیطان به اندازه کافی عقل و حکمت داشت که بداند تنها جوابی که خدا می‌توانست به او بدهد این بود که این موضوع را به وسیله آزمایش روشن سازد. شیطان اطمینان داشت که خواهد توانست نقشه خدا را عقیم سازد. باید توجه داشته باشیم که عصیان زهره و فرشتگانی که از او پیروی کردند باعث شد که در آسمان یک خلا یا محل خالی به وجود آید. شیطان می‌دانست که خدا به اجرای نقشه‌های خود ادامه خواهد داد و موجوداتی به وجود خواهد آورد که محل خالی شیطان و فرشتگانش را پر کنند و خدماتی را که لازم است انجام دهند، چون شیطان زمانی در باغ عدن نفوذ داشت (حزقیال ۲۸: ۱۳)، پس حتماً موجودات جدیدی که خدا به وجود می‌آورد دارای چنین نفوذ و تسلطی می‌شدند.

به مجردی که شیطان متوجه گردید نقشه خدا در چه جهتی جلو می‌رود فوراً مشغول کار شد. حالا لازم بود نشان دهد که موجودات جدیدی که خدا به وجود می‌آورد مانند خودش نفس پرست خواهند بود نه خداپرست. خدا هم به شیطان فرصت داد که اگر بتواند ادعای خود را ثابت کند. اگر خدا می‌توانست انسان‌هایی پیدا کند که نسبت به او وفادار باشند و در موقع وسوسه و آزمایش خدا را ترک نکنند، می‌توانست دهان شیطان را برای همیشه ببندد. شیطان از هیچ کوششی برای انجام نقشه‌های شیرانه خود مضایقه نکرد. در باغ عدن حوا را وسوسه کرد و به آسانی توانست وی و همسرش آدم را فریب دهد. سپس اولین پسر آنها یعنی قائن را به کشتن برادرش تحریک نمود. مدتی چنین به نظر می‌رسید که شیطان موفق شده است بشر را به دنبال خود بکشد. در واقع تمام مردم قبل از طوفان نوح از شیطان فریب خوردند و تحت قدرت او قرار گرفتند، ولی با وجود تلاش‌های فراوانی که شیطان به عمل آورد، نتوانست تمام خانواده‌های انسانی را فاسد سازد. همیشه اشخاصی مانند خنوخ و نوح وجود داشتند که «با خدا راه می‌رفتند». بالاخره خدا موفق شد بر روی زمین نسلی از عادلان حفظ نماید.

به علاوه خدا یک نقشه سری داشت که حتی فرشتگان هم از آن بی‌خبر بودند و آن عبارت بود از نقشه عظیم وی درمورد نجات توسط مسیح. حتی فرشتگان عادل هم از این نقشه خبری نداشتند (اول پطرس ۱: ۱۲ و ۱۹ و ۲۰). پس اگر فرشتگان عادل از این نقشه اطلاعی نداشتند واضح است که شیطان هم نمی‌توانست از آن با خبر باشد. همین نقشه نجات بود که خدا آن را از پیش از بنای عالم مخفی نگه داشته بود و همین نقشه بود که باعث شکست شیطان گردید. قرار بود که مسیح از شکوه و جلال ابدی خود دست بکشد و مجسم گردد و به جای گناهکاران جان بدهد.



شیطان که اساساً موجودی خودخواه بود به هیچ وجه نمی‌توانست این فکر بسیار عالی و جوانمردانه را در خیال خود راه بدهد که مسیح انسان می‌شود و به جای گناهکاران جان می‌دهد. بدین طریق توسط قربانی شدن مسیح است که شیطان و فرشتگان کاذبش بطور قطع شکست می‌خورند. بزرگترین نبرد تاریخ بشریت توسط مسیح در جلجتا علیه شیطان انجام شد. در آنجا بود که خداوند فرمود: «الحال داوری این جهان است و الان رئیس این جهان بیرون افکنده می‌شود»، «رئیس این جهان حکم شده است» (یوحنا ۱۲: ۳۱ و ۱۶: ۱۱).

در جلجتا قدرت قانونی شیطان از او گرفته شد. درمورد ایمانداران، دیگر شیطان قدرتی ندارد. در جلجتا مسیح هر چه برای عادل شدن ایمانداران لازم بود پرداخت فرمود. او با وسوسه و آزمایش رو به رو شد و توانست بگوید «نه به خواهش من، بلکه به اراده تو»، برای محکوم ساختن شرارت لازم بود نیکویی نشان داده شود و برای نشان دادن ماهیت شرارت‌بار و گناه‌آلود شیطان لازم بود اطاعت کامل نشان داده شود. در جلجتا مسیح به وسیله اطاعت کامل خود قدرت شیطان را از او گرفت. خود مسیح می‌فرماید: «من شیطان را دیدم که چون برق از آسمان می‌فتد» (لوقا ۱۰: ۱۸). امروز هر مسیحی می‌تواند بر شیطان قدرت کامل داشته باشد. عیسی فرمود: «به نام من دیوها را بیرون خواهید کرد»، اینک شما را قوت می‌بخشم که... تمامی قوت دشمن را پایمال کنید و چیزی به شما ضرر هرگز نخواهد رسانید» (لوقا ۱۰: ۱۹). حالا فرشتگان واقعی خدا آماده هستند که ایمانداران را در نبرد علیه شیطان، کمک کنند.

## فصل ششم: نبرد مسیحیان با شیطان و فرشتگان وی

«زیرا که ما را کشتی گرفتن با خون و جسم نیست، بلکه با ریاست‌ها و قدرت‌ها و جهان‌داران این ظلمت و فوج‌های روحانی شرارت در جای‌های آسمانی» (افسیان ۶: ۱۲). فرشتگان نیکویی وجود دارند که به ما کمک می‌کنند، ولی فرشتگانی هم وجود دارند که باید با آنها در جنگ باشیم. پولس رسول می‌نویسد که چگونه در دعای شخصی خود با نیروهای شرارت کشتی می‌گیرد: «در افسس با وحوش جنگ کردم» (اول قرنتیان ۱۵: ۳۲)، «خدای سلامتی به زودی شیطان را زیر پای‌های شیطان خواهد سایید» (رومیان ۱۶: ۲۹)، «لیکن شیطان ما را نگذشت» (اول تسالونیکیان ۲: ۱۸). چرا رسول مسیح اصرار می‌کند که مسیحیان با دشمن بطور دائم در جنگ باشند؟ نبرد آنها در دعا چه هدفی داشت؟ جواب پولس رسول این است که انجیل یا مژده نجات‌بخش مسیح باید کار خود را انجام دهد و به همین دلیل تمام کوشش‌های دشمن که به منظور جلوگیری از پیشرفت انجیل به عمل می‌آید باید خنثی گردد. شیطان کوشش می‌کند تمام درها را به روی انجیل ببندد، زیرا می‌داند که اگر در انجام این کار موفقیت پیدا کند جان‌های مردم را در چنگال خود نگاه خواهد داشت. دعا‌های نیرومند شفاعت‌آمیز، مانع اجرای نقشه‌های شرارت‌آمیز شیطان می‌شود و در صورت لزوم همانطوری که در زمان دانیال اتفاق افتاد، نیروهای فرشتگان را برای کمک احضار می‌نماید.

مسیح در جلبتای شیطان را شکست داد و شیطان دیگر هیچ نوع قدرت قانونی بر ایمانداران ندارد. با این حال مانند شخص متجاوز که ملکی را درمورد آن اختیار قانونی ندارد برخلاف قانون تصرف می‌نماید، باید او را بیرون راند و به همین دلیل نبرد روحانی لازم است. خدا از قوم خود می‌خواهد که قدرت‌های بر ضد نیروهای شرارت بردارند. در زکریا ۳: ۱-۳ می‌بینیم که شیطان در جلوی فرشته خداوند ایستاده است تا با او مقاومت نماید، ولی چون شخص دعا می‌کرد، خداوند می‌فرماید: «خداوند تو را نهیب نماید. خداوند که اورشلیم را برگزیده است تو را نهیب نماید.» دعا شفاعت برای دیگران بسیار مهم است. در تاریخ بنی‌اسرائیل زمانی رسید که خداوند نتوانست حتی یک نفر را پیدا کند که برای اورشلیم در دعا‌های خود شفاعت نماید. به همین دلیل اجازه فرمود که آن سرزمین به حکومت الهی دچار گردد. «و من در میان ایشان کسی را طلبیدم که دیوار را بنا نماید و برای زمین من در شکاف بایستد تا آن را خراب ننمایم، اما کسی را نیافتم. پس خداوند یهوه می‌گوید: خشم خود را بر ایشان ریخته‌ام و ایشان را با آتش غضب خویش هلاک ساخته و طریق ایشان را بر ایشان وارد آورده‌ام» (حزقیال ۲۲: ۳۰ و ۳۱).

سرزمین اسرائیل توسط سپاهیان نبوکدنصر اشغال گردید و بنی‌اسرائیل مدت هفتاد سال به اسارت رفت. پس از مدتی خدا دانیال نبی را برانگیخت و او توانست با نیروی روحانی به آزاد ساختن قوم خدا موفق شود. قبلاً درباره دعای دانیال صحبت کردیم و گفتیم که او چگونه مدت بیست و یک روز به وسیله دعا و روزه در حضور خداوند انتظار کشید. وقتی بالاخره فرشته خداوند نزد دانیال رسید، برای او شرح داد که چگونه مدت سه هفته بر ضد رئیس مملکت فارس مبارزه کرده و بالاخره توانسته است مقاومت نیروهای ظلمت را در هم شکند، زیرا دانیال مشغول دعا بوده است، «و او مرا گفتای دانیال، مرد بسیار محبوب، کلامی را که به تو می‌گویم، فهم کن و بر پای‌های خود بایست، زیرا که الان نزد تو فرستاده شده‌ام و چون این کلام را به من گفت لرزان بایستادم و مرا گفت ای دانیال مترس، زیرا از روز اول که دل خود را بر آن نهادی که بفهمی و به حضور خدای خود تواضع نمایی، سخنان تو مستجاب گردید و من سبب سخنانت آمده‌ام، اما رئیس مملکت فارس بیست و یک روز با من آمد و من در آنجا نزد پادشاهان فارس ماندم» (دانیال ۱۰: ۱۱-۱۳).

آیات مذکور یکی از مهم‌ترین مکاشفات کلام الهی است. فرشتگان فرستاده می‌شوند که در نبردهای روحانی به ما کمک کنند، ولی آنها نمی‌توانند این نبردها را تماماً انجام دهند، بلکه به همکاری ما احتیاج دارند، همانطوری که ما هم همکاری آنها را لازم داریم. در افسسیان ۶: ۱۲ رسول مسیح بطور صریح اظهار می‌دارد که نبردهایی که ایمانداران به وسیله دعا انجام می‌دهند، در شکست دادن نیروهای شیطان دارای نقش بسیار مهمی هستند. فرشتگان و ایمانداران خدا یک نیروی متحدی را تشکیل می‌دهند که هدف آن عبارت است از بیرون راندن شیطان و عزل او از مقامات روحانی. پولس نشان می‌دهد که چون این نبرد، روحانی است پس لازم است با اسلحه‌های روحانی مناسب مجهز شویم تا زخمی نشویم و از بین نرویم، زیرا کاملاً روشن است که شیطان از هیچ فرصتی برای از بین بردن ما غفلت

نخواهد کرد. پولس رسول اسلحه‌های مسیحی را تشریح می‌نماید:

۱- کمر بند راستی را ببندید. نادرستی که در کلیسا وجود دارد، باعث جدایی و ضعیف شدن فرزندان خدا می‌گردد. نادرستی را معمولا می‌توان تشخیص داد، زیرا هر وقت شخصی گرفتار عقاید نادرست و غلط بشود، گمراهی وی طبیعتا باعث می‌گردد که در مورد اهمیت عقیده نادرست خویش بیش از حد تأکید نماید و به همین دلیل این عقیده نادرست از نظر او از حقایق معمولی مربوط به نجات مهم‌تر جلوه می‌کند.

۲- جوشن عدالت را در بر کنید. اگر می‌خواهیم در این نبرد روحانی پیروز شویم لازم است دست‌ها و لب‌های ما پاک و مقدس باشد. شیطان در مورد کسانی که در قلمرو او زندگی می‌کنند، ولی به خیال خودشان می‌خواهند به او دستور بدهند بسیار بی‌رحم است. وای به حال کسانی که آنقدر احمق و ساده‌لوح هستند که در حالی که شیطان را در قلب خود دارند به او حمله می‌کنند. توجه کنید که چه بلایی بر سر پسران اسکیا آمد، آنها که جادوگر بودند خواستند ارواح پلید را بیرون کنند، ولی «آن مرد که روح پلید داشت بر ایشان جست و بر ایشان زور آور شده غلبه یافت به حدی که از آن خانه عریان و مجروح فرار کردند» (اعمال رسولان ۱۹: ۱۳-۱۶).

۳- در مرحله سوم سپر ایمان لازم است. شخصی که به نبرد علیه شیطان مشغول می‌شود مورد حملات شدید دشمن قرار خواهد گرفت، ولی به وسیله ایمان به هر کاری قادر خواهد بود. به وسیله ایمان تمام تیرهای آتشین دشمن را می‌توان خاموش کرد.

۴- کلاه خود نجات حتما لازم است. همانطوری که گفتیم خدا یک فرشته نجات می‌فرستد تا هر بچه‌ای را که در جهان متولد می‌شود محافظت نماید، ولی اگر بچه بعد از رسیدن به سن درک مسؤولیت، از قبول کردن مسیح خودداری کند، فرشته نگهبان بالاخره او را ترک خواهد کرد. البته بسیار غم‌انگیز خواهد بود که فرشته الهی متوجه شود که تلاش‌های محبت‌آمیز او بی‌نتیجه است و شخص را تا ابد ترک نماید.

۵- بالاخره لازم است که شمشیر روح را که کلام خداست برداریم. توسط کلام خدا بود که مسیح توانست شیطان را در بیابان شکست بدهد (متی ۴: ۱-۱۱). پس بسیار ضروری است که با کلام خدا آشنایی کامل داشته باشیم تا بتوانیم مانند مسیح دشمن را با شمشیر روح شکست دهیم.

این جنگ عظیمی که در «جای‌های آسمانی» جریان دارد چه وقت به پایان می‌رسد؟ جواب را در مکاشفه ۱۲: ۷-۱۱ پیدا می‌کنیم. میکائیل و فرشتگانش خواهند جنگید و شیطان و فرشتگان یاغی وی با هم از مقام‌های آسمانی خود به زیر افکنده خواهند شد و مجبور خواهند گردید به زمین بیفتند و در دوره مصیبت عظیم فرصت خواهند یافت که بر روی زمین مدت کوتاهی کار خود را ادامه دهند. با وجودی که میکائیل و فرشتگانش عوامل اصلی و روحانی شکست شیطان و زیر افکنده شدن وی خواهند بود، نکته جالب توجه این است که در کلام خدا می‌خوانیم: «ایشان به توسط خون بره و کلام شهادت خود بر او غالب آمدند.» پس اینطور معلوم می‌شود که فرشتگان، یگانه عامل شکست شیطان نیستند، بلکه دعاها و ایمان و شهادت عادلانی که تحت حفاظت خون بره قرار دارند در سرنگون کردن نیروهای ظلمت دارای نقش بسیار مهمی می‌باشند. بدین طریق در حالی که ساکنان زمین به سرعت به دوره مصیبت عظیم نزدیک می‌شوند خدا به دنبال مردان و زنانی می‌گردد که در این نبرد عظیم روحانی به وسیله دعا‌های جدی شرکت نمایند. پس لازم است قوم خدا در روح دعا بسیار جدی متحد شوند تا رئیس قوای هوا یعنی شیطان شکست بخورد و بیرون افکنده شود.

وقتی پیروزی قطعی حاصل گردد (که البته چنین خواهد شد) این ایمانداران به خاطر سهم مهمی که در شکست دادن شیطان داشته‌اند، شکوه و جلال آسمانی خواهند داشت. زمانی که دوره مصیبت عظیم به پایان برسد، وقت مجازات شیطان و فرشتگان یاغی او فرا خواهد رسید. یک فرشته عالی مقام از آسمان نزول خواهد کرد و کلید چاه‌هاویه را در اختیار خواهد داشت، او شیطان را که فریب‌دهنده تمام ملت‌ها می‌باشد دستگیر خواهد کرد و در ظلمت چاه‌هاویه خواهد افکند. همراه شیطان، تمام فرشتگان و روح‌های شریری که از وی متابعت کرده‌اند به این چاه‌هاویه افکنده خواهند شد (اشعیا ۲۴: ۲۱ و ۲۲). آنها باید در همان جا بمانند تا زمان داوری فرا رسد. سپس برای مدت کوتاهی

آزاد خواهند شد تا بعداً به محکومیت و سرنوشت نهایی و غیرقابل تغییر خود دچار گردند.